

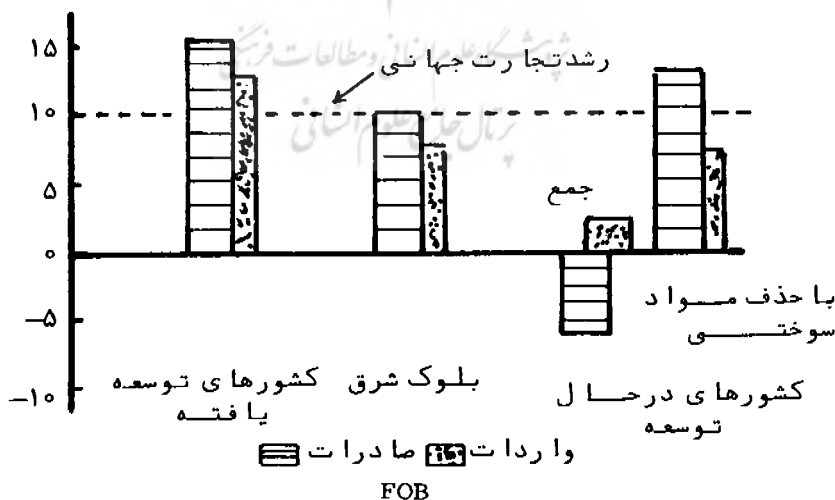
۶- تجارت بین المللی (۱۹۸۷-۱۹۸۶) (۲)

تحولات تجارت منطقه ای

oooooooooooooooooooooooooooo

با توجه به پیشرفت‌های سه منطقه عمده اقتصادی جهان، از نمودار ۲ و جدول ۵ روشن می‌شود که در سال گذشته گروه کشورهای صنعتی، افزایش زیادی را در تجارت کالایی به ثبت رساندند، در حالی که منطقه تجاری شرق، رشدی مشابه رشد تجارت جهانی داشته است. در هر دو مورد، ارزش دلاری تجارت کالایی بدلیل افزایش ارزش تعداد بسیاری از ارزها در مقابل دلار، بشدت افزایش یافته است.

نمودار شماره (۲): تجارت جهانی بر اساس مناطق اصلی جهان، ۱۹۸۶ (درصد تغییر ارزش طی سال گذشته)



جدول شماره (د) - تجارت کالایی جهان براساس مناطق اصلی، ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ (میلیاردها دلار)

واردات (F.O.B)		صادرات (F.O.B)		
۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۵	
۱۴۸۰	۱۳۱۰	۱۴۷۵	۱۲۷۵	کشورهای توسعه یافته
۴۲۰	۴۱۰	۴۱۵	۴۴۰	کشورهای در حال توسعه
(۳۶۵)	(۳۴۰)	(۲۷۵)	(۲۴۰)	(با حذف مواد نفتی)
۲۲۰	۲۰۵	۲۳۰	۲۱۰	بلوک شرق
۲۱۲۰	۱۹۲۵	۲۱۲۰	۱۹۲۵	جهان

در سال ۱۹۸۶ ارزش دلاری کل صادرات کالایی مناطق در حال توسعه حدود ۶ درصد کاهش یافته در حالی که واردات کالایی آنها افزایش مختصری داشت. اگر مواد نفتی را حذف نماییم (این مواد حدود ۱/۴ کل صادرات کالایی کشورهای در حال توسعه را در سال گذشته تشکیل می دادند)، وضعیت تا حدود زیادی تغییر میکند، یعنی صادرات حدود ۱۵ درصد افزایش و واردات حدود ۷ درصد افزایش داشته اند.

در سال ۱۹۸۶ صادرات مواد نفتی از مناطق در حال توسعه، ۵۹ میلیارد دلار کمتر از سال ۱۹۸۵ بود، یعنی حدود ۳۰ درصد کاهش داشت. در این ارتباط، باید توجه داشت که فقط تعداد محدودی از کشورهای در حال توسعه به درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت بشدت وابستگی دارند و از این

گروه، برخی دارای جمعیت زیاد و درآمد مدسرا نه پائینی می باشند. برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه که صرفاً "واردکننده نفت میباشند، قیمت‌های پائین تر آن مفید می باشد.

سال گذشته درآمدهای دلاری مناطق در حال توسعه از صادرات مواد اولیه غیر نفتی، که $\frac{1}{4}$ کل درآمدهای صادراتی آنها را تشکیل می‌دهد، حدود ۸ درصد افزایش داشت. البته، ارزش دلاری صادرات این کالاها از کشورهای در حال توسعه ۵ درصد پائین تر از سطح ۱۹۸۰ بود، که با توجه به این حقیقت که هنوز بسیاری از کشورهای با حداقل میزان توسعه یافتگی وابستگی شدیدی به صادرات مواد اولیه غیر نفتی دارند، نگران کننده (۱) است.

اگرچه ۱۷ درصد افزایش در ارزش دلاری صادرات مصنوعات از مناطق در حال توسعه در سال ۱۹۸۶ پائین تر از ۲۰ درصد افزایش جهانی است، لکن باعث شده است که سهم مصنوعات در کل صادرات کالایی این کشورها از ۱۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۸۶ برسد، در نتیجه برای اولین بار، کشورهای در حال توسعه از صادرات مصنوعات در مقایسه با صادرات محصولات کشاورزی یا معدنی، ارزش بیشتری را بدست آوردند. دوبرابر شدن سهم مصنوعات در کل صادرات این کشورها تا حدی بدلیل کاهش مطلق درآمدهای

(۱): ارقام صندوق بین المللی پول مربوط به قیمت‌های واقعی مواد اولیه غیر نفتی صادر شده توسط کشورهای در حال توسعه (یعنی قیمت‌های دلاری که بوسیله شاخص ارزش واحد صادراتی مصنوعات کشورهای توسعه یافته تعدیل شده باشد)، یک کاهش ۳۰ درصدی را بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ نشان می‌دهد، که شاخص را به پایین ترین سطح خود از دهه ۱۹۳۰ تا کنون می‌رساند. البته از آغاز سال ۱۹۸۷، قیمت تعدادی از مواد اولیه غیر نفتی، مانند پشم و پنبه افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است.

آنها از صادرات مواد سوختی می باشد، ولی این رشد همچنين منعكس كننده رشد سريع ارزش دلاری صادرات مصنوعات، با نرخ متوسط سالانه ۸ درصد بين سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ است كه تقريباً "دوبرابر ۴/۵ درصد نرخ رشد كل صادرات جهانی مصنوعات می باشد .

روشن است كه تعداد کمی از صادراتكنندگان، بخش عمده صادرات مصنوعات را از مناطق در حال توسعه انجام میدهند، البته، گسترش سریع تجارت در دهه ۱۹۸۰، به ۵ صادراتكننده عمده محدود نشده است، در نتیجه تعداد فزاینده ای از کشورهای در حال توسعه به صادراتكنندگان قابل توجه مصنوعات تبدیل شده اند. (جدول ۶).

آمار دقیق تر فاش می سازد كه تغییر ونوسان شدیدی در رشد تجاری ۷ گروه منطقه ای وجود دارد، همان طور كه از رقم جدول ۴ بدست می آید، فقط دو منطقه (اروپای غربی و آسیا) رشد صادراتی نسبتاً "بالایی" را در سال ۱۹۸۶ بدست آوردند. در مقابل، ارزش دلاری صادرات از آمریکای شمالی، آمریکای لاتین، آفریقا و خاور میانه در سال گذشته کاهش یافت، كه کاهش مربوط به سه گروه خاور میانه، آفریقا و آمریکای لاتین عمدتاً "ناشی از کاهش سریع ارزش صادرات نفتی است. در تفسیر این ارقام (وسایل رقم جدول ۴) باید توجه داشت كه بعضی از آثار رشدت تحت تاثیر اثرات ناشی از تحولات نرخ ارز قرار داشتند. برای مثال، صادرات كشورهای اروپای غربی بر حسب ECU، ۵/۵ درصد کاهش یافته، در حالی كه بر حسب دلار ۲۱/۵ درصد افزایش داشته است.

تحولات تجاری در کشورهای بدهکار

oo

افزایش ناچیز ۲ درصد سال گذشته در ارزش واردات کالایی به ۱۵

جدول شماره (۶) - صادرات مصنوعات از برخی کشورها ۱۹۷۹-۸۱ و ۱۹۸۴-۸۶ (متوسط سالانه)

متوسط درصد تغییر سالانه	میلیارد دلار		
	۱۹۸۴-۸۶	۱۹۷۹-۸۱	
بین ۱۹۸۴-۸۶ و ۱۹۷۹-۸۱			
۳۵/۵	۲/۳	۰/۵	اندونزی
۳۲/۰	۴/۴	۱/۱	ترکیه
۱۸/۵	۱۰/۱	۴/۳	مکزیک
۱۵/۵	۴/۲ ^a	۲/۲	مالزی
۱۵/۰	۱۴/۸	۷/۴	برزیل
۱۴/۰	۲/۹	۱/۵	تایلند
۱۳/۰	۰/۷ ^a	۰/۴	عربستان سعودی
۱۲/۵	۳۰/۵	۱۷/۱	تایوان
۱۲/۵	۲۸/۷	۱۶/۰	کره
۱۰/۵	۱/۰	۰/۶	مراکش
۸/۰	۱۲/۴	۸/۵	سنگاپور
۸/۰	۱/۹	۱/۳	پاکستان
۶/۵	۱۷/۲	۱۲/۵	هنگ کنگ
۵/۰	۰/۹	۰/۷	تونس
۵/۰	۲/۵ ^a	۲/۰	فیلیپین
۴/۵	۸/۲	۶/۶	یوگسلاوی
۴/۵	۵/۳	۴/۳	اسرائیل
۴/۰	۰/۶ ^a	۰/۵	بنگلادش
۱/۵	۴/۷ ^c	۴/۴	هند
- ۳/۰	۰/۶	۰/۷	کلمبیا
- ۳/۵	۱/۵	۱/۸	آرژانتین
- ۴/۵	۰/۴	۰/۵	پرو
- ۴/۵	۰/۳	۰/۴	اروگوئه
- ۱۲/۰	۱/۱	۲/۱	کویت
- ۱۳/۰	۰/۳	۰/۶	جامائیکا

a: ۱۹۸۴-۸۵

تذکر: کشورهای در حال توسعه بر حسب متوسط درصد تغییرات سالانه صادرات مصنوعات بین ۱۹۷۹-۸۱ و ۱۹۸۴-۸۶، به ترتیب نزولی تنظیم شده اند در این ارقام، صادرات و صادرات مجدد طلا حذف شده است.

کشور با بدهی سنگین تا ۸۵ میلیارد دلار، ولین افزایش از سال ۱۹۸۱ تا بحال می باشد. این افزایش با ۱۵ درصد کاهش (تا ۱۰۰ میلیارد دلار) در درآمدهای صادراتی آنها توأم بود. نتیجه این امر کاهش بیش از ۵۰ درصد در صادرات کالی آنها بود که از ۳۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به ۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ رسید.

این تصویر نسبتاً "تیره برای گروه ۱۵ کشور، عملکرد تجاری نسبتاً "خوب در دو کشور شیلی و آرژانتین را پنهان می سازد. این دو کشور موفق شدند که صادرات کالی خود را در طی جریان تعدیل گسترش صادرات و واردات افزایش دهند. (جدول ۷)

(۱): این گروه ۱۵ کشور که بوسیله صندوق بین المللی پول تعریف شده اند با گروه ۱۶ کشور بدهکار که قبلاً تشریح شده بوده شرح زیر تفاوت دارد:

کشورهای مصر، اندونزی، کره، تایلند و ترکیه حذف شده و کشورهای بولیوی، ساحل عاج، اکوادور و آرژانتین اضافه شده اند.

(۲): حدود نیمی از افزایش صادرات شیلی مربوط به محصولات غذایی (کشا و رزی و شیلات) می باشد. صادرات خمیرچوب نیز به سرعت افزایش یافت. بازارهای اصلی برای این افزایش صادرات اسپانیا، آلمان، آرژانتین و برزیل بودند. در مورد آرژانتین، درآمد بسیاری از گوشت و سایر صادرات سنتی نظیر چرم و پشم بدست آمد. در سال ۱۹۸۶ مهمترین بازارهای صادراتی آرژانتین، برزیل و جامعه اروپا بودند.

با این توجه داشت که اگر برای هر یک از سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶، ۱۵ کشور بر طبق چهار گروه جدول ۷ تقسیم بندی می شدند، بطور متوسط ۱۱ کشور از ۱۵ کشور هر سال در گروه متفاوتی قرار می گرفتند. یکی از عوامل این تغییرات سالانه، اثر ارزشی تغییرات نرخ دلار است. این اثر ارزشی در کشورهای مختلف متفاوت است و بستگی دارد به اینکه آیا واحد پول آن کشور به دلار وابستگی دارد یا خیر، و آیا کالاها یا عمده صادراتی آن کشور مستقیماً "بر حسب دلار قیمت گذاری میشوند یا خیر.

در بین ۱۳ کشور دیگر، ۴ کشور (فیلیپین، ساحل عاج، مراکش و کلمبیا) در ارزش دلاری صادرات سال ۱۹۸۶ افزایش داشتند. برای ۹ کشور باقیمانده، یکی از دلایل عملکرد مایوس کننده صادرات آنها در سال گذشته، بازاریهای ضعیف برای مواد اولیه میباشد. به علاوه در بعضی کشورها، گسترش تقاضای داخلی، نه تنها با افزایش واردات بلکه با افزایش جذب داخلی کالاها قابل صدور کشور بر روی ترانزیت تجارت کالایی اثر گذاشته است.

* * *

جدول شماره (۷) - تعدیلات تجاری در ۱۵ کشور بدهکار، ۱۹۸۶

گسترش صادرات و محدودیت واردات	گسترش صادرات و واردات
کلمبیا، مراکش، فیلیپین	شیلی، ساحل عاج*، اروگوئه
محدودیت صادرات و گسترش واردات	محدودیت صادرات و واردات
آرژانتین*، بولیوی*، برزیل*، اکوادور*، پرو*، ونزوئلا*	مکزیک، نیجریه*، یوگسلاوی* گام علم انسانی رتال جامع علوم انسانی
<p>* علامت ستاره نشان دهنده افزایش کسری یا کاهش مازاد تجارت کالایی است. سایر کشورها در جدول دارای کاهش کسری یا افزایش مازاد تجارت کالایی بوده اند.</p>	

* * *

رشدنا چیزا قضا دجهانی در سال ۱۹۸۷ هیچگونه تسهیلی برای کشورهای بدهکار جهت دستیابی به دود هدف بهبود استانداردهای زندگی

وتدا و م با ز پرداخت بدهی فراهم نساخته است. افزایش اخیر قیمت نفت به بعضی از کشورهای بدهکار کمک کرده است، لکن توام با آن فشار بر روی کشورهای واردکننده نفت را افزایش داده است. در مقابل، افزایش قیمت مواد اولیه غیر نفتی کمک بیشتری را به همراه داشت. در واقع در برخی از کشورهای بشدت بدهکار مانند فیلیپین، بنظر میرسد رشد اقتصادی ظرف سال جاری افزایش یافته است.

دورنمای آینده ○○○○○○○○○○○○○○○○○○○○

پیش بینی های موجود برای سال ۱۹۸۷، نرخ رشد تولید ناخالص واقعی داخلی را در کشورهای صنعتی حدود ۲/۵ درصد در مناطق در حال توسعه ۳/۵ درصد، برآورد میکند. این پیش بینی مشابهاً به عملکرد سال ۱۹۸۶ میباشد. برای اقتصاد جهانی بطور کلی، این پیش بینی بمعنای یک نرخ مداوم رشد اقتصادی زیر ۳ درصد در سال ۱۹۸۷ میباشد. در حال حاضر، هیچ افزایش عمده ای در رشد اقتصادی برای سال ۱۹۸۸ پیش بینی نمی شود. اما مربوط به نیمه اول سال ۱۹۸۷ به افزایشی حدود ۳/۵ درصد در حجم تجارت کالایی برای تمام سال اشاره دارد. این تجدیدنظر صعودی در برآورد قبلی ۲/۵ درصد برای سال ۱۹۸۷، نتیجه عملکرد ما در ائتلاف قوی آمریکا، برخی کشورهای در حال توسعه آسیایی و اروپای غربی میباشد. برای سال ۱۹۸۸، هیچگونه تغییری اساسی در نرخ رشد تجارت پیش بینی نمی شود.

تحولات میان مدت در تجارت مصنوعات ○○○○○○○○○○○○○○○○○○○○

طی سه دهه از ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، تجارت کالاهای ساخته شده نسبت به تجارت محصولات کشاورزی یا معدنی تحرک بیشتری داشته است. از نظر

حجم، تجارت مصنوعات در سال ۱۹۸۵، ۱۲ برابر بزرگتر از سال ۱۹۵۰ بوده است، در حالیکه تجارت محصولات معدنی و کاشا ورزی به ترتیب ۵ برابر و ۳ برابر بزرگترند. از جهت ارزش، رشد سریع قیمت نفت در دهه هفتاد باعث یک افزایش عظیم در تجارت مواد معدنی شد، لکن این افزایش در مقابل مصنوعات فقط یک امر موقتی بود.

در سال ۱۹۸۱ تجارت مصنوعات با ردیگر بر تجارت مواد معدنی بر حسب تغییر سالانه به ارزش دلاری فزونی یافت. جدول (۸) متوسط افزایش سالانه طی سالهای ۸۶-۱۹۸۰ را بر حسب ارزش دلاری تجارت جهان طی در ۱۶ گروه کالایی نشان میدهد. همانطور که مشخص است، تمام ده گروه کالایی که رشدی بالاتر از متوسط رشد تجارت جهانی بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ داشته اند شامل کالاهای ساخته شده است و فقط یک گروه از مصنوعات (آهن و فولاد) رشدی پایین تر از متوسط رشد جهانی داشته است. (۱)

(۱): درصد تغییرات ارزش برای هر گروه تولید در جدول ۸ ترکیبی از تغییرات ۵ جزء می باشد: تغییرات در حجم تجارت، قیمت، کیفیت محصول، ترکیب محصول و نرخهای ارزش. برای مثال ممکن است افزایش ارزش دلاری تجارت وسایط نقلیه موتوری بدلیل زیر باشد: (۱) افزایش حجم تجارت وسایط نقلیه موتوری، (۲) افزایش قیمت‌های بازار داخلی برای یک کیفیت خاص وسایط نقلیه موتوری، (۳) تغییر تقاضای جهانی از نوع ارزانتر به نوع گرانتر آن محصول خاص (برای مثال از اتوموبیل‌های کوچک به سایز متوسط)، (۴) تغییر در ترکیب انواع وسایط نقلیه، مثلاً از موتورسیکلت به اتوموبیل سواری، (۵) اثرات ارزش تغییرات نرخ ارز. حتی زمانیکه تغییر در ارزش دلاری یک گروه کالایی بزرگ باشد، نیازی به تغییر تمام عوامل فوق در جهت مشابه نیست. برای مثال، صادرات بسیاری از گروههای کالاهای الکترونیکی پیشرفته بر حسب ارزش، همزمان با کاهش شدید (بقیه پا ورقی در صفحه بعد)

در آغاز دهه ۱۹۸۰، سهم کشورهای صنعتی در صادرات جهانی کالاهای با رشد بالا، بطرز آشکاری بالاتراز سهم آنها در کل صادرات کالایی جهان بود. به همین ترتیب، کشورهای در حال توسعه و تا حدی کشورهای بلوک شرق، به سمت کالاهای صادراتی گرایش داشتند که عملکرد آنها در دهه ۱۹۸۰ پایین تر از عملکرد متوسط تجارت کالایی جهان بود.

البته طی شش سال گذشته، تعدادی از کشورهای در حال توسعه قابلیت خود را در پذیرش تغییرات شرایط بازار بهبود بخشیدند، تا حدیکه در دهه ۸۰ همانند دهه ۷۰، گروه کشورهای در حال توسعه حتی سریعتر از کشورهای توسعه یافته یا بلوک شرق، سازماندهی مجددی بر صادرات خود بخشیدند. در نتیجه بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ سهم مناطق در حال توسعه در تجارت جهانی کالاهای با رشد سریع (یعنی ۱۰ گروه کالایی قسمت بالای جدول ۸) از ۱۰ درصد به ۱۲ درصد افزایش یافت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(پیامها و رونق از صفحه قبل): ژانل جامع علوم انسانی

قیمت هر واحد، بسرعت افزایش یافته است. بنظر میرسد بین سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶، تغییرات نرخ ارز در تعیین اینکه کدام گروه کالایی نرخ رشد بالاتر از متوسط نرخ رشد دوره ۱۹۸۰ تا کنون داشته، از اهمیت کمتری برخوردار است. دلیل این امر اینستکه ترتیب گروههای کالایی برای دوره ۸۵-۱۹۸۰ کاملاً مشابه با ترتیب جدول ۸ بنظر میرسد، با این تفاوت که طی دوره ۸۵-۱۹۸۰ تجارت در سایر کالاهای نیمه نهائی و ماشین آلات برای صنایع تخصصی عملکرد پائین تری نسبت به متوسط تجارت کالایی جهان داشته است.

جدول شماره (۸) - صادرات کالایی جهان بر اساس گروه کالا، ۸۶ - ۱۹۸۰
 (درصد سهم و متوسط درصد تغییر سالانه بر اساس ارزش)

متوسط درصد تغییر سالانه ۱۹۸۰-۸۶	گروه کالا	سهم در صادرات کالایی جهان ۱۹۸۶
۱۲/۵	تجهیزات دفتری و مخابرات	۵/۷
۷/۵	وسایط نقلیه موتوری	۹/۲
۷/۵	پوشاک	۲/۹
۶/۰	لوازم منزل	۳/۲
۵/۵	سایر کالاهای مصرفی (مبلمان، کالاهای چرمی و ...)	۵/۵
۴/۰	سایر ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل	۱۱/۹
۳/۵	مواد شیمیایی	۹/۰
۳/۰	منسوجات	۳/۱
۲/۵	ماشین آلات برای صنایع تخصصی	۸/۷
۲/۰	سایر محصولات نیمه نهایی (مصنوعات چوب و ...)	۴/۹
۱/۰	صادرات کالایی جهان	
۰/۰	مواد غذایی	۱۰/۷
۰/۰	آهن و فولاد	۳/۵
-۱/۰	مواد خام (کائوچوی خام، چوب و غیره)	۳/۴
-۴/۰	سنگ ها و مواد معدنی	۱/۶
-۴/۵	فلزات غیر آهنی	۱/۹
-۹/۰	مواد نفتی	۱۲/۷

توام با تحولات فوق، الگوی تجارت کالایی بین کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته تغییر کرده است. بیشترین بخش این تجارت بصورت مبادلات در داخل گروههای کالایی درآمده است. برای تمام گروههای کالایی بجز مواد غذایی، پوشاک و سایر کالاهای مصرفی، با گذشت زمان، ارزش دلاری صادرات و واردات در تجارت کشورهای درحال توسعه با کشورهای توسعه یافته در جدول (۹) روشن میشود. برای هر یک از ۱۶ گروه کالایی جدول، ارقام با در نظر گرفتن قدر مطلق تجارت خالص کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته (صادرات منهای واردات بدون توجه به اینکه قدر مطلق کسری یا مازاد تجاری است)، به عنوان درصدی از تجارت ناخالص (صادرات با اضافه واردات)، محاسبه شده است و سپس بگونه ای تعدیل شده است که اگر ارزش دلاری واردات و صادرات یک گروه خاص دقیقاً "با هم برابر باشند، شاخص ۱۰۰ خواهد بود. بدیهی است که در صورتیکه فقط صادرات یا فقط واردات یک گروه خاص وجود داشته باشد، شاخص صفر خواهد شد.

برای مثال در سال ۱۹۸۶، مواد شیمیائی صادر شده از کشورهای درحال توسعه به کشورهای توسعه یافته ۶/۹ میلیارد دلار و مواد شیمیائی وارد شده از آنها ۳۲/۹ میلیارد دلار ارزش داشت. بنا براین، مقدار خالص تجارت مواد شیمیائی ۲۶ میلیارد دلار و تجارت ناخالص ۳۹/۸ میلیارد دلار میباشد. در واقع تجارت خالص ۶۵ درصد تجارت ناخالص است. شاخص تفاوت بین این در صد و ۱۰۰ را مشخص می کند که در اینجا ۳۵ است. بنا براین، افزایش درصدهای جدول طی زمان نشان دهنده توازن بیشتر در تجارت گروه کالایی خاص میباشد (تجارت خالص بطور نسبی کوچکتر میشود)، که نشانهای از کسب تخصص بیشتر کشورهای در آن گروه کالایی خاص میباشد.

جدول شماره (۹) - شاخص تحولات درتوازن تجاری میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته در ۱۶ گروه کالایی

۱۹۸۶	۱۹۸۰	۱۹۷۰	گروه کالایی
۹۴	۸۵	۶۶	منسوجات
* ۹۲	۶۸	۳۵	لوازم منزل
* ۹۱	* ۷۱	* ۵۲	مواد خام
* ۸۴	* ۷۱	* ۳۵	فلزات غیر آهنی
۸۴	۶۸	۲۲	تجهیزات دفتری و مخابرات
۸۴	۶۱	۵۵	سایر محصولات نیمه نهایی
* ۷۹	* ۹۷	* ۶۳	مواد غذایی
* ۶۸	۹۹	* ۹۵	سایر کالاهای مصرفی
* ۵۷	* ۳۹	* ۲۴	سنگ آهن و مواد معدنی
۴۹	۲۱	۱۹	آهن و فولاد
۴۵	۲۲	۱۲	سایر ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل
۳۵	۲۸	۱۷	مواد شیمیایی
۲۹	۵	۲	وسایط نقلیه موتوری
* ۱۷	* ۳۰	* ۴۷	پوشاک
۱۷	۶	۲	ماشین آلات برای صنایع تخصصی
* ۱۳	* ۵	* ۸	مواد نفتی

ستاره مشخص کننده شرایطی است که در آن ارزش دلاری صادرات از کشورهای در حال توسعه به توسعه یافته بزرگتر از ارزش دلاری صادرات از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه است.

جدول ۹ نشان می‌دهد که :

– تجارت دوجانبه لوازم منزل توازن بیشتری یافته است. در سال ۱۹۸۶ (در مقایسه با ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰) صادرات این تولیدات بوسیله کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته بزرگتر از صادرات کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه بود.

– تجارت در چند گروه تولیدی دیگر، نظیر منسوجات و تجهیزات دفتری و مخابرات نیز متوازن تر شده است. لکن همچنان صادرات از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه بیشتر از صادرات این کشورها به کشورهای توسعه یافته بوده است.

– سهم مناطق در حال توسعه در تجارت دوجانبه مواد خام، فلزات غیر آهنی و سنگ آهن و مواد معدنی همچنان بیشتر از سهم کشورهای توسعه یافته بوده است، البته با درجه‌ای بسیار پایین تر از سال ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰.

– از توازن تجارت پوشاک کاسته شده است، بطوریکه صادرات کشورهای در حال توسعه به توسعه یافته نسبت به واردات پوشاک آنها از کشورهای توسعه یافته فزونی یافته است. بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ همین روند در مورد تجارت مواد غذایی (که شامل نوشیدنی‌ها و تنباکو می‌شود) و در گروه سایر کالاهای مصرفی نیز وجود داشت.

– در سال ۱۹۸۶، کشورهای در حال توسعه سهم بیشتری در تجارت دوجانبه در ۸ گروه تولیدی داشتند: در سه گروه از آنها (پوشاک، مواد غذایی و سایر کالاهای مصرفی) این کشورها سهم خود را افزایش دادند، در حالی که در ۵ گروه دیگر (لوازم منزل، مواد خام، فلزات غیر آهنی، سنگ آهن و مواد معدنی و مواد نفتی) تجارت دوجانبه توازن بیشتری یافته است.

– در سال ۱۹۸۶، در هر هشت گروه کالایی که سهم کشورهای توسعه یافته در تجارت

دوجا نبه بزرگتر از سهم کشورهای در حال توسعه بود، روند تجارت بسوی توازن بیشتر جریانات دوجا نبه پیش می‌رود. این هشت گروه عبارتند از منسوجات، تجهیزات دفتری و مخابراته‌سایرکالاها، نیمه‌نهایی، آهن و فولاد، سایر ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل، مواد شیمیایی، وسایل نقلیه موتوری و ماشین‌آلات برای صنایع تخصصی.

از این بررسی مختصر در مورد روندمیان مدت تجارت جهانی

کالاها، ساخته شده سه نتیجه مهم بدست می‌آید:

– حتی در دوره‌های رشد کند تجارت کل جهانی، تقاضای بازار جهانی برای بعضی از تولیدات با سرعت رشد می‌یابد.

– بنظر می‌رسد که کالاها، ساخته شده از تولیداتی با رشد سریع‌تری دارند.

– در داخل گروه مصنوعات، کالاها با رشد سریع، انواع مزیت‌های نسبی ممکن را از کار برگرفته تا تکنولوژی و سرمایه‌بر، شامل می‌گردد.

این تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که حتی در دوره‌های رشد کند،

شرایط و موقعیتهای مناسبی برای کشورهای جهت تشویق رشد اقتصادی از طریق متنوع ساختن صادرات مصنوعات وجود دارد. البته هرچه نرخ رشد اقتصادی جهان سریع‌تر باشد، منافع بدست آمده توسط هر کشور از افزایش مشارکت در بازار جهانی بیشتر خواهد بود. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که در سالهای اخیر، چه عواملی مورد نیاز اقتصاد جهانی است تا عملکرد اقتصادی آنرا بهبود بخشد.